

استرداد مجرمین در روابط ایران و ترکیه (چالش‌ها و راهکارها)

دکتر اردشیر فرخ‌زاد*

چکیده:

فرار از تحمل کیفر یک امر طبیعی است. کشور ترکیه به لحاظ شرایط همسایگی، وجود راه خشکی، تشابهات فرهنگی، حاکمیت لغو روادید دوجانبه، ویژگی اتصال به اروپا، بهترین گزینه برای فرار مجرمین محسوب می‌شود. بین ترکیه و ایران ابتدا در سال ۱۳۱۵ سپس در سال ۱۳۸۹ قرارداد استرداد مجرمین منعقد گردیده است، علی‌رغم این قراردادها اکثریت مجرمین ایرانی، از سوی ترکیه مسترد نمی‌شوند. این موضوع دلایل متعدد داخلی و بین‌المللی من جمله، مقررات مربوط به حقوق بشر، عضویت ترکیه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ... دارد. ولی بعضی از این محدودیت‌ها به عدم آگاهی ما نسبت به قوانین داخلی این کشور مربوط می‌شود به طوری که با بررسی علل عدم استرداد و قوانین داخلی می‌توان به بیشتر این محدودیت‌ها فائق آمد. در قانون دادرسی کیفری ترکیه، رسیدگی غیابی به لحاظ احترام به حق دفاع متهم، پیش‌بینی نشده است، بنابراین با استناد به رأی غیابی، درخواست استرداد مجرمین پذیرفته نخواهد شد. علاوه بر این، در عهدنامه استرداد مقصرین بین ایران و ترکیه از کلمه تعقیب، بحث به میان آمده است، در سیستم حقوقی این دو کشور، زمان تحقق تعقیب متفاوت بوده که این اختلاف باعث بروز عدم استرداد می‌شود. برای مقابله با این موانع ساده‌ترین راه حل، مشخص شدن زمان درخواست استرداد مجرمین است.

کلیدواژه‌ها:

استرداد مجرمین، کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمین، حقوق بشر، تعاون و همکاری قضایی.

مقدمه

مطابق اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری صلاحیت تعقیب، محاکمه و اجرای مجازات، فقط داخل در محدوده خاک آن کشور است. به همین دلیل بعضی از بزهکاران برای محاکمه نشدن و یا مجازات نشدن به خارج از مرزهای کشور فرار می‌کنند. هرچند استرداد مجرمین در دوران گذشته نیز بوده ولی پیش‌بینی قوانین آن در کشورهای مختلف، مربوط به عصر حاضر است. امروزه در هر کشوری تعقیب و تسلیم مجرمین فراری را تأسیسی به نام «استرداد مجرمین» انجام می‌دهد.

در اسفند ماه ۱۳۱۵ عهدنامه‌ای بین ایران و جمهوری ترکیه منعقد گردید که می‌توان آن را باتوجه به زمان تنظیم، عهدنامه‌ای پیشرفته و منطبق با قوانین روز دنیا محسوب نمود. متعاقباً در سال ۱۳۳۹ در کشورمان متناسب با این عهدنامه، قانونی به نام «قانون راجع به استرداد مجرمین» در ۲۶ ماده تصویب می‌گردد، علی‌رغم وجود چنین قوانین و عهدنامه بین‌المللی، اکثریت درخواست‌های ایران مبنی بر استرداد مجرمین از سوی ترکیه با رد درخواست مواجه گردیده است. نظر به اینکه در این خصوص قبلاً تحقیقی جامع به عمل نیامده؛ لذا ضرورت انجام تحقیقی همه‌جانبه ایجاب می‌نماید تا در مقاله‌ای متفاوت، با مذاقه در قوانین داخلی ترکیه و تأثیر مقررات بین‌المللی بر این موضوع، بدو دلایل عدم استرداد مجرمین ایرانی از سوی ترکیه ریشه‌یابی و سپس راه‌حل ممکن برای آن پیشنهاد گردد. باتوجه به اهمیت این امر متأسفانه در حال حاضر کشور ایران با تعداد معدودی از کشورها قرارداد استرداد، معاضدت قضایی و همکاری امنیتی منعقد کرده است و علی‌رغم اینکه برخی از کشورها با استفاده از شرط عمل متقابل، همکاری لازم را در زمینه دستگیری و استرداد مجرمین تحت تعقیب مراجع قضایی به عمل می‌آورند، لیکن در بسیاری از موارد نیز پاسخ مراجع ذی‌صلاح کشورها حکایت از آن دارد که به علت فقدان قرارداد استرداد مجرمین و یا وجود انواع موانع و مشکلات حقوقی و قانونی موجود در قوانین داخلی کشورمان قادر به اجرای خواسته کشور ما نمی‌باشند. از همین رو بنا به اهمیت استرداد مجرمین برای یک کشور در ابعاد مختلف، ضرورت انجام تحقیق و مطالعه برای احصاء موانع و مشکلات پیش رو به‌خصوص موانع قانونی بیش‌ازپیش احساس می‌گردد.

در این تحقیق به قوانین داخلی ایران و ترکیه در رابطه با استرداد مجرمین و عهدنامه فی‌مابین و سپس دلایل عدم استرداد مجرمین ایرانی از کشور ترکیه و نهایتاً چالش‌های حقوقی در ایران و ترکیه و راهکارهای پیشنهادی موردبررسی قرار خواهد گرفت.

۱- کلیات قواعد و مقررات

۱-۱- معنا و مفهوم

استرداد در لغت به معنای درخواست بازگرداندن، بازدهی و پس فرستادن است و در اصطلاح حقوقی به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای برگرداندن بزهکار از کشور محل سکونت به کشور محل وقوع جرم صورت می‌گیرد.^۱ استرداد مجرمین عبارت است از روشی که به موجب آن کشور درخواست‌شونده، مجرم یا متهمی را که به علت ارتکاب جرم در کشورش یافت شده، به کشور درخواست‌کننده تسلیم می‌کند. به عبارتی می‌توان آن را به بازگرداندن متهم یا مجرم از کشوری که اشخاص مذکور در آنجا یافت شده به کشور صلاحیت‌دار تعبیر نمود.^۲ هرچند تعاریف متعددی از استرداد مجرمین به عمل آمده ولی درنهایت همه آنها به یک معنا و مفهوم است.

۱-۲- قواعد کلی

در موضوعات کیفری، استرداد مجرمین شکل خاصی از تعاون و همکاری قضایی بین دولت‌هاست. این موضوع هم از نظر شکلی و هم از نظر ماهوی باعث ایجاد یک سری اصول حقوقی شده است که در ذیل به این قواعد حقوقی اشاره می‌شود.

۱-۲-۱- شرط مجرمیت مضاعف^۳

موضوع جرم استرداد مجرمین، هم در قوانین دولت متقاضی و هم در قوانین دولت متقاضی‌عنه می‌بایست جرم باشد. به این موضوع می‌توان قاعده مضاعف بودن جرم، نام نهاد. درخصوص این قاعده دو نظریه وجود دارد. اول اینکه عمل ارتكابی در هر دو کشور به یک وصف و به یک نام باشد. مثلاً عنوان مجرمانه در هر دو کشور کلاهبرداری باشد. ولی قائلین به نظریه دوم که نظریه غالب است معتقدند نیازی نیست میزان مجازات و عنوان جرم یکی باشد؛ بلکه حتی درصورت متفاوت بودن عنوان مجرمانه، کافی است که عمل ارتكابی، عناصر جرمی را تشکیل دهد.^۴

۱. محمود آخوندی، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، زمستان ۱۳۷۲)،

جلد دوم، ۳۱۱.

2. Feridun Yenise, "Yurtdışında İşlenen Suçlar," *MHB* 1 (1986): 22.

3. Double Criminality

4. Hasan Mutlu Altun, "Suçluların Geri Verilmesi Hukuku," (Y.L. Tezi, Istanbul: Marmara

۱-۲-۲- شرط شدت و اهمیت جرم

در قراردادهای استرداد مجرمین، حداقل مجازات جرایم قابل استرداد، پیش‌بینی می‌شود؛ بنابراین تقاضای استرداد مجرمی پذیرفته می‌شود که در قوانین داخلی این کشورها میزان مجازات از حداقل پیش‌بینی شده بیشتر باشد. سنگین بودن جرایم و یا به عبارتی، کم‌اهمیت نبودن جرایم قابل استرداد دلایل متفاوتی دارد، از جمله، پرهزینه بودن استرداد مجرمین، انجام اقدامات تأمینی مناسب، بررسی، تحقیق و تفحص‌های مجزا و ... در قراردادهای استرداد مجرمین در خصوص سنگین بودن مجازات دو روش وجود دارد. الف - تعیین مدت حداقل مجازات حبس؛ ب - ذکر تک‌تک عناوین مجرمانه.^۵ شایان ذکر است که استرداد برای اجرای مجازات‌های خشن مانند اعدام، قطع عضو، شلاق به لحاظ اعلام مغایرت آن با حقوق بشر پذیرفته نمی‌شود.

۱-۲-۳- قابلیت انجام تعقیب کیفری

جرم موضوع استرداد مجرمین باید هم در قوانین کشور تقاضاکننده و هم در قوانین کشور متقاضی‌عنه از جمله جرایمی باشد که قابلیت اعمال مجازات را داشته باشد. این قاعده در ماده ۳ عهدنامه استرداد مجرمین ایران و ترکیه نیز پیش‌بینی شده است؛ لذا تعقیب متهم باید واجد شرایط محاکمه باشد. از شرایط مهم محاکمه می‌توان مرور زمان، عفو، فقدان شکایت شاکی در جرایمی که تعقیب متهم منوط به شکایت شاکی است را نام برد.

۱-۲-۳-۱- مرور زمان

اعتبار مرور زمان در هر دو کشور به یک اندازه است؛ لذا چنانچه موضوعی، چه در قوانین کشور متقاضی و چه در قوانین کشور متقاضی‌عنه، مشمول مرور زمان اعم از مرور زمان تعقیب و یا اجرای مجازات گردد، از موانع استرداد مجرمین است. شروع مرور زمان اجرای مجازات نیز از زمان قطعی شدن حکم، مطابق قوانین کشور تقاضاکننده می‌باشد. با وجود اینکه در خصوص زمان قطع مرور زمان، نظریات مختلفی ارائه شده است ولی اکثریت، زمان تسلیم متهم به کشور تقاضاکننده را زمان قطع مرور زمان می‌دانند.^۶

Üniversitesi, 2001), 54.

5. Ibid. 38.

6. Keyhan İçel, "Suçluların Geri Verilmesi Üzerine Bir inceleme," *İÜHF* 30 (1965): 4.

۱-۲-۳-۲- عفو

عفو نیز مانند مرور زمان مانع اجرای مجازات و یا تعقیب متهم است. در استرداد مجرمین، تأثیر عفو خصوصی با عفو عمومی متفاوت می‌باشد بدین توضیح که اگر عفو خصوصی شامل اجرای تمام مجازات باشد، استرداد ممکن نخواهد بود ولی اگر بخشی از مجازات را از بین ببرد، در این صورت مجازات با اعمال تخفیف مذکور مورد توجه قرار می‌گیرد و چنانچه پس از تخفیف، میزان مجازات کمتر از نصاب مقرر در قرارداد باشد، استرداد صورت نمی‌پذیرد. در مقابل چنانچه اعمال تخفیف بیشتر از نصاب لازم باشد استرداد به وقوع خواهد پیوست.^۷ عفو عمومی محکومیت کیفری را از بین می‌برد، بنابراین اگر در دولت تقاضاکننده و یا متقاضی‌عنه، جرم موضوع استرداد مجرمین مشمول عفو عمومی شود، مجرم مذکور مسترد نخواهد شد.

۱-۲-۳-۳- جرایم قابل گذشت

برخلاف تعریف جرایم قابل گذشت در قوانین جزایی ما، در اینجا منظور از جرایم قابل گذشت جرایمی است که تعقیب متهم منوط به شکایت شاکی است و با گذشت شاکی تعقیب متوقف خواهد شد.^۸ شکایت، مخصوص بزه‌دیده از جرم است و چنانچه در قوانین کشور تقاضاکننده تعقیب متهم منوط به شکایت شاکی باشد و شرط تقدیم شکایت از سوی شاکی تحقق نیافته باشد، چنین شخصی مسترد نمی‌شود.

۱-۲-۴- قاعده منع تعقیب مجدد^۹

منوعیت تعقیب مجدد نسبت به یک فعل که در قوانین اساسی کشورها پیش‌بینی شده و توسط قرارداد حقوق بشر اروپایی نیز تضمین شده، تأثیر بسزائی در حقوق تعاون و همکاری قضایی بین‌المللی دارد. اعتبار امر قضاوت‌شده که از اصول شناخته‌شده در علم حقوق است به‌موجب این اصل، هرگاه متهم نسبت به یک رفتار محاکمه شده و رأی قطعی صادر شده باشد، محاکمه مجدد این شخص ممنوع می‌باشد. این اصل در نهاد استرداد مجرمین نیز مورد قبول واقع شده است؛ بنابراین ممکن است نسبت به موضوعی در دادگاه‌های کشور تقاضاکننده رسیدگی شده باشد و ممکن است قبلاً در دادگاه‌های کشور پذیرنده نیز رسیدگی

7. Ayhan Önder, *Ceza Hukuku Genel Hükümler* (İstanbul: Beta, 1991), 327.

8. Ibid. 305.

9. Non bis in idem

شده و نسبت به آن رأیی (اعم از براءت و یا محکومیت) صادر شده باشد، در این صورت نیز موضوع مشمول اعتبار امر قضاوت‌شده بوده و متهم یا مجرم اعاده نمی‌گردد.^{۱۰}

۱-۲-۵- صلاحیت کشور متقاضی عنه

هر کشوری قبلاً صلاحیت خود را نسبت به رسیدگی به جرایم در قوانین عادی اش پیش‌بینی می‌کند، به همین دلیل چنانچه دولت پذیرنده، صلاحیت رسیدگی به جرم موضوع استرداد مجرمین را داشته باشد و یا تعقیب و تحقیق از سوی مقامات صلاحیتدار آن کشور، شروع شده باشد، تقاضای استرداد مجرم رد خواهد شد. بنابراین باتوجه به قوانین کشور متقاضی عنه، اگر محل وقوع جرم، کشور مزبور محسوب شود، آن مجرم اعاده نمی‌گردد و یا اگر علی‌رغم وقوع جرم در کشور بیگانه، مطابق قوانین کشور متقاضی عنه آن جرم به ضرر دولت و ملت کشور مذکور باشد، در این صورت چنانچه مرحله تحقیق شروع شده باشد، تقاضای استرداد رد خواهد شد.^{۱۱}

۱-۲-۶- قاعده تخصیص^{۱۲}

یکی از قواعد بسیار مهم استرداد مجرمین که در عرف بین‌الملل نیز مورد قبول عامه می‌باشد، قاعده تخصیص است. به موجب این اصل، شخصی که به اتهام خاصی مسترد شود، نمی‌تواند به جرم دیگر او، رسیدگی کرد و یا نسبت به جرم دیگرش که رأی صادر شده اجرای مجازات نمود. بنابراین متهمی که قبل از تسلیم آن به دولت تقاضاکننده مرتکب جرم دیگری شده، محاکمه ایشان به اتهام جرم مذکور ممنوع است. لذا محاکمه نمودن شخص مستردشده نسبت به جرم مذکور نیاز به رضایت دولت متقاضی عنه دارد و حتی رضایت شخص مستردشده نیز کافی نمی‌باشد؛ زیرا قبول استرداد یک توافقی است که تنها به حاکمیت ملی کشور پذیرنده مرتبط است نه به اراده مقصر. فلسفه وضع این اصل را می‌توان چنین عنوان کرد که دولت متقاضی عنه را از آلت دست شدن دولت تقاضاکننده خارج می‌کند چراکه در غیراین صورت ممکن بود که دولت تقاضاکننده به جرایمی که رسیدگی آنها منع شده اقدام کند و استرداد شخص را به اتهام جرم عمومی تقاضا و پس از استرداد، به جرم سیاسی ایشان رسیدگی نماید. تخلف از اصل اختصاصیت نه تنها موجب نقض حق فردی می‌شود؛ بلکه

10. Süheyl Donay, "Suçluların İadesinde Yeni Gelişmeler," *İÜHF* 50 (1984): 53.

۱۱. آخوندی، پیشین، ۳۲۰

12. Rule of Speciality

حاکمیت کشور متقاضی‌عنه را جریحه‌دار می‌سازد.^{۱۳} لازم به ذکر است اصل اختصاصیت مانع تغییر وصف عنوان مجرمانه نمی‌باشد و همچنین کشور تقاضاکننده به شرط داخل بودن در نصاب لازم می‌تواند از عوامل مشدده و مخففه نیز استفاده نماید.^{۱۴}

۱-۲-۷- قاعده ممنوعیت استرداد اتباع داخلی و پناهندگان

هر دولتی مسئول حمایت مؤثر از تبعه خود و فراهم آوردن موجبات قضاوت بی‌طرفانه نسبت به تبعه‌اش است. امروزه ممنوعیت استرداد تبعه کشور پذیرنده به‌عنوان یک قاعده کلی مورد پذیرش کشورهای جهان قرار گرفته است. بنابراین دولت نسبت به تبعه‌اش نمی‌تواند ابزار دستگاه‌های جزایی کشور بیگانه باشد و آن را به قضات بیگانگان بسپارد. زیرا نوعی بی‌اعتمادی و شبهه در بی‌طرف بودن قضات بیگانه وجود دارد. علاوه بر این، هر شخصی حق زندگی و سکونت در خاک وطن خود را دارد این حقوق، متهم را از فرستادن اجباری به کشور بیگانه باز می‌دارد. در سال‌های اخیر، کشورهای اروپایی، محدودیت‌های مهمی را برای اصل غیرقابل استرداد بودن تبعه ایجاد کرده‌اند، برای مثال می‌توان به حقوق کشور هلند و سوئیس اشاره کرد، اکثر کشورهایی که دارای حقوق انگلوساکسون هستند، صرفاً به‌علت رایج بودن اصل سرزمینی قوانین کیفری، اتباع خود را به کشور تقاضاکننده مسترد می‌کنند. خلاف اصل بودن این موضوع، باعث ایجاد مشکلاتی در استرداد مجرمین شده است.

پناهندگان کسانی هستند که علی‌رغم میل باطنی خود به کشور دیگری پناه می‌برند، درخصوص حقوق پناهندگان بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون ژنو (مصوب ۱۹۵۱) صراحتاً استرداد پناهنده را ممنوع اعلام نموده در عمل، پناهنده‌ای که استردادش تقاضا می‌گردد، چنانچه اسم او به‌عنوان پناهجو ثبت شده باشد، درخواست استرداد ایشان رد می‌شود، در مواردی حتی موضوع فراتر از این هم بوده است بدین توضیح که، پناهنده‌ای که درخواست اقامت آن از سوی کشور متقاضی‌عنه رد شده بود، دادگاه اروپایی حقوق بشر، حکمی مبنی بر عدم استرداد آن صادر کرده است، برای نمونه می‌توان به پرونده خانم آرزو غفاری اشاره کرد که در آن دادگاه اروپایی حقوق بشر رأبی علیه کشور ترکیه مبنی بر عدم استرداد مشارالیها به کشور ایران صادر نمود؛ زیرا مطابق قوانین کشور ترکیه و همچنین سایر کشورهای اروپایی، برای متهمی که ادعای نقض قانون و علی‌الخصوص نقض قانون استرداد را می‌کند، این اشخاص حق

۱۳. عبدالحسین علی‌آبادی، *حقوق جنایی* (تهران: انتشارات بانک ملی، ۱۳۵۴)، جلد سوم، ۱۷۷.

14. Mustafa Cin, "Suçluların Geri Verilmesi ve Türk Hukuku," (Y.L. Tezi, İstanbul: İstanbul Üniversitesi, 1996), 102.

شکایت به دادگاه اروپایی حقوق بشر را دارند.

۱-۲-۸- قاعده ممنوعیت استرداد در جرایم نظامی

این موضوع نیز در بند ۴ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ پیش‌بینی شده است. در پاسخ به این پرسش که ممنوعیت استرداد مجرمین شامل کدام جرایم نظامی است، دو نظریه وجود دارد؛ برخی معتقدند که ممنوعیت فقط شامل جرایم خاص نظامی است. جرایم خاص نظامی صرفاً به نظامی‌ها تعلق دارد و این افراد در ارتباط با وظایف خاص نظامی‌شان مرتکب می‌شوند. بنابراین در اینجا می‌بایست اولاً، فاعل الزاماً شخصی نظامی باشد؛ ثانیاً، فعل ارتكابی هم نقض خدمت و امنیت نظامی باشد؛ ثالثاً، این عمل مطابق قانون مجازات نیروهای مسلح نیز جرم باشد. درمقابل، نظریه دیگر معتقد به ممنوعیت جرایم مشترک نظامی می‌باشند. این جرایم مختص نیروهای نظامی نیست و ارتکاب آنها از سوی هر فردی ممکن است. بند ۳ ماده ۳ عهدنامه استرداد مجرمین ایران و ترکیه جرایم خاص نظامی را پیش‌بینی کرده است.

۱-۲-۹- قاعده منع استرداد در جرایم سیاسی و جرایم مرتبط با آن

امروزه این اصل یکی از شناخته‌شده‌ترین اصول در حقوق استرداد مجرمین است. در جرایم سیاسی طبق یک سنت بین‌المللی که از افکار آزادی‌خواهانه قرن نوزدهم نشئت گرفته، استرداد مجرمین غیرمقدور می‌باشد. این قاعده در تمامی قراردادهای دو یا چندطرفه پیش‌بینی شده است. در قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و ترکیه و یا در قراردادهای سایر کشورها، تعریفی از جرم سیاسی به عمل نیامده است. بنابراین ارائه تعریفی که دارای مقبولیت عامه باشد، ممکن نبوده و بیشتر کشورها شناخت آن را به محاکم واگذار کرده‌اند.

مقنن جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۰ در تعریف جرم سیاسی اشعار می‌دارد: «هر یک از جرایم مصرح در ماده ۲ این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب می‌شود.» در ترکیه نیز قانونی راجع به تعریف جرم سیاسی وجود ندارد ولی حقوق‌دانان این کشور تحقیقات زیادی در این خصوص انجام داده و تعاریف متعددی را ارائه نموده‌اند.

۲- مبانی حقوقی استرداد مجرمین بین ایران و ترکیه

۲-۱- مبانی استرداد مجرمین در حقوق ترکیه

بحث پیرامون موضوع استرداد مجرمین را می‌بایست هم در منابع داخلی و هم در منابع بین‌المللی جستجو کرد. جمهوری ترکیه علاوه بر کشورهای اروپایی، با کشورهای زیادی قرارداد دوطرفه استرداد مجرمین منعقد نموده است. در این خصوص مهم‌ترین قرارداد استرداد مجرمین که برخلاف قراردادهای دیگر چندطرفه بوده، «کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمین» است. از آنجایی که جمهوری ترکیه عضو شورای اروپا بوده، به عنوان یکی از طرفین و امضاءکنندگان این کنوانسیون نیز محسوب می‌گردد. کنوانسیون مذکور در تاریخ ۱۹۵۷ در پاریس با دو پروتکل الحاقی که در راستای اهداف شورای اروپا برای دستیابی به وحدت بیشتر اعضا و ایجاد رویه‌های حقوقی مشترک، خصوصاً هماهنگ‌سازی قواعد استرداد بین دولت‌های عضو منعقد شده است. مطابق این کنوانسیون، تمامی دولت‌های عضو (تمامی دولت‌های اروپا) در خصوص استرداد مجرمین نسبت به هم متعهد شده‌اند.

غیر از منابع بین‌المللی، در حقوق داخلی ترکیه نیز بند آخر ماده ۳۸ قانون اساسی مصوب ۱۹۸۲ (اصلاح شده در سال ۲۰۱۰) در این خصوص مقرر می‌دارد: «به استثنای دیوان کیفری بین‌المللی که در قبال آن مسئول هستیم، هیچ تبعه ترک به سبب ارتکاب جرمی به کشور بیگانه مسترد نمی‌شود.» بنابراین اتباع ترکیه از طرف این کشور بجز دیوان کیفری بین‌المللی، به هیچ کشوری تسلیم نمی‌شود. علاوه بر این، ماده ۱۸ قانون مجازات ترکیه (مصوب ۲۰۰۴) هم شرایط شکلی و هم شرایط ماهوی استرداد را بیان نموده است. مطابق بند اول این ماده، استرداد در صورتی ممکن است که مرحله تحقیقات مقدماتی به پایان رسیده باشد. وفق ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ترکیه، مرحله تعقیب از زمان قبول کیفرخواست توسط دادگاه شروع می‌شود، همچنین جرم بودن عمل در هر دو کشور، ممنوعیت استرداد جرایم نظامی، جرایم کاملاً سیاسی، جرایم سیاسی نسبی، اصل قابل تعقیب بودن جرم در این بند به وضوح بیان شده است. در بند دوم، ممنوعیت استرداد تبعه ترکیه به استثنای دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده است و بند سوم ماده مذکور مقرر می‌دارد: «در مورد متهمینی که به خاطر دین، نژاد، تابعیت، منسوبیت به یک گروه اجتماعی و یا داشتن تفکر سیاسی اماره قوی مبنی بر تحت تعقیب قرار دادن، مجازات کردن، شکنجه و یا آزار و اذیت کردن آنها وجود داشته باشد، استرداد آنها ممکن نخواهد بود.» بند ۴ این ماده در مورد دادگاه صلاحیتدار نسبت به موضوع

استرداد مجرمین اشعار می‌دارد: متهم در هر محلی یافت شود دادگاه جرایم سنگین آن محل، صالح به رسیدگی است و حکم صادره از سوی آن دادگاه که دارای تعدد قاضی است، قابلیت تمیز در دیوان عالی کشور را دارد. روش رسیدگی به اتهام شخص مورد تقاضای استرداد در کشور ترکیه، سیستم مختلط است. بنابراین مطابق این سیستم پس از اینکه دادگاه رأی خود را مبنی بر تحقق شرایط استرداد صادر نمود در این حالت، استرداد باید از طرف دولت نیز بررسی شود؛ لذا وفق بند پنج ماده مذکور، مقام صالح برای بررسی و اتخاذ تصمیم نهایی هیئت‌وزیران است. در بند ششم و هفتم به امکان احضار، جلب و صدور قرار تأمین پرداخته است و در بند آخر ماده مزبور قاعده تخصیص پیش‌بینی شده است.

نکته حائز اهمیت این است که استرداد در بعضی موارد اجباری و در برخی موارد اختیاری می‌باشد. چنانچه بین دولت متقاضی و دولت متقاضی‌عنه قرارداد استرداد مجرمین وجود داشته باشد، استرداد نسبت به جرایم پیش‌بینی‌شده در آن اجباری است، در غیر این صورت، استرداد اختیاری خواهد بود. استرداد اختیاری در هر کشوری بستگی به حقوق داخلی آن کشور دارد. بنابراین می‌توان گفت که قرارداد استرداد مجرمین به قوانین داخلی تفوق و برتری دارد و چنانچه قوانین داخلی استرداد اختیاری را جایز بدانند، در این صورت، چنین استرداد با مدنظر قرار دادن روابط متقابل انجام می‌پذیرد. مطابق قوانین داخلی ترکیه، استرداد اختیاری به وجود روابط متقابل بستگی دارد.^{۱۵}

در خصوص تفوق قرارداد بین‌المللی بر قوانین داخلی در حقوق ترکیه، باید گفت که اگر در حقوق داخلی، قانونی برخلاف عهدنامه تصویب شود، مؤخر یا مقدم بودن تصویب این قانون، هیچ تأثیری در عهدنامه نخواهد داشت، زیرا مطابق قوانین آن کشور اولاً، قوانین و مقررات بین‌المللی بر قوانین داخلی تفوق دارند به طوری که قوانین بین‌المللی من جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ... در ردیف قانون اساسی این کشور قرار دارند؛ ثانیاً، نظر به اینکه قانون اراده یک ملت است ولی قرارداد اراده دو یا چند ملت؛ لذا قوانین داخلی قدرت تعارض با قراردادهای بین‌المللی را ندارند.

۲-۲- منابع حقوقی استرداد مجرمین در ایران

هرچند برخلاف حقوق داخلی ترکیه، در قانون اساسی ایران و قانون مجازات اسلامی هیچ حکمی در خصوص استرداد مجرمین وجود ندارد ولی قانون مستقل و مجزاً از قانون مجازات

در اردیبهشت ۱۳۳۹ تحت عنوان «قانون راجع به استرداد مجرمین» به تصویب قوه مقننه رسیده است. این قانون با توجه به زمان تصویب، قانون بی نظیری محسوب می‌گردد و تاکنون تغییر نکرده و یا نقض نشده است. ماده اول این قانون ضمن تأیید تفوق قرارداد بر قانون، استرداد اختیاری را به شرط معامله متقابل پیش‌بینی می‌نماید. ماده ۴ در مقام بیان جرایم قابل استرداد و بااهمیت است. نظر به اینکه در حال حاضر جرایم به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم نمی‌شوند؛ لذا مطابق بند ۲ ماده ۴ قانون مزبور، تمامی جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن کمتر از یک سال حبس نباشد، قابل استرداد می‌باشند. ماده ۷ این قانون، شروع به ارتکاب جرم را از لحاظ استرداد، مشمول مقررات این قانون می‌داند. ماده ۸ قانون فوق‌الاشعار ضمن بیان اصول و قواعد ذکر شده در فصل اول این مقاله، در بند ۹ این ماده در خصوص تعارض حقوق چندین دولت نسبت به مجرمی که با عمل واحد موجبات ضرر به آنها را فراهم آورده، تعیین تکلیف نموده و کشور صالح را کشوری می‌داند که جرم علیه مصالح آن کشور صورت گرفته و یا محل وقوع جرم باشد.

دادگاه صالح در استرداد مجرمین، دادگاه کیفری (۲) محل سکونت متهم است و اگر شخص مزبور محل سکونت معمولی نداشته باشد، دادگاه صالح، دادگاه عمومی جزایی تهران می‌باشد. رأی صادره از دادگاه کیفری (۲)، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان بوده و ضمناً لازم به ذکر است که هیچ‌یک از مواد این قانون متناقض با قرارداد استرداد مجرمین ایران و ترکیه نمی‌باشد.

قانون دیگری به نام «قانون راجع به تعقیب جزایی مجرمین فراری از مناطق سرحدی مجاور ایران» در تاریخ ۱۳۱۳/۰۵/۱۷ تصویب شده بود. در این قانون به قرارداد استرداد مجرمین اشاره نشده و استرداد را به معامله‌ای متقابل و مطابق با نظام‌نامه مصوب هیئت دولت منوط کرده بود. هرچند که این قانون، حقوق و آزادی‌های متهم را تضمین نمی‌کند ولی اولین قانونی است که در خصوص استرداد مجرمین در ایران به تصویب رسیده است. از آنجایی که نظام‌نامه مورد نظر از طرف مقنن به تصویب نرسیده و مأموران سرحدی نیز آموزش و توان لازم را نداشتند، قانون مذکور هیچ‌وقت به موقع اجرا درنیامد.^{۱۶}

۳- قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و ترکیه و آیین رسیدگی به آن

۱-۳- قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و ترکیه^{۱۷}

در حقوق بین‌الملل، هر زمان بین دو کشور قرارداد استرداد منعقد شده باشد، استرداد مجرمین نسبت به جرایم پیش‌بینی‌شده در آن قرارداد، اجباری است. درخصوص ایران و ترکیه قراردادی تحت عنوان «عهدنامه استرداد مقصرین و تعاون قضایی در امور جزایی» در ۲۳ اسفند ماه ۱۳۱۵ با اعتبار پنج‌ساله منعقد و تصویب گردید. در این عهدنامه پیش‌بینی شده که بعد از مدت پنج سال تا زمانی که یکی از طرفین آن را فسخ نکند، به اعتبار خود باقی خواهد ماند و فسخ قرارداد، شش ماه بعد از تاریخ اعلام فسخ، مؤثر خواهد بود. این عهدنامه به مدت ۷۴ سال در روابط ایران و ترکیه حاکم بوده است تا اینکه باتوجه به پیشرفت جوامع بشری و پیچیدگی موضوع و عدم جوابگویی این عهدنامه به نیازهای امروزی، قرارداد دیگری تحت عنوان «موافقت‌نامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه» در تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۸۸ در ماده ۷۲ در آنکارا بین دو کشور منعقد و در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲ پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به تأیید شورای نگهبان رسید. این قرارداد باتوجه به استانداردهای سازمان ملل و شورای اروپا با هدف حمایت از منافع مشترک در چهارچوب همکاری قضایی منعقد شده است و به‌موجب گزارش شماره ۱/۸۹۶ کمیسیون روابط خارجی مجلس اعلاای ترکیه، مواد ۳۴ به بعد (مواد مربوط به استرداد مجرمین) این قرارداد موافق با آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر که تنها مرجع صلاحیتدار جهت تفسیر مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است، اعلام گردیده است.

مطابق ماده ۷۱ این موافقت‌نامه، عهدنامه استرداد مقصرین و تعاون قضایی در امور جزایی صراحتاً نسخ گردیده است. ماده ۳۴ تا ۵۰ این موافقت‌نامه اختصاص به استرداد مجرمین دارد. این قرارداد برخلاف عهدنامه قبلی به‌صورت نامحدود می‌باشد ولی همانند قرارداد قبلی هر یک از طرفین می‌توانند آن را فسخ نمایند. فسخ موافقت‌نامه شش ماه پس از تاریخی که طرف دیگر اطلاعیه مزبور را دریافت کرد، نافذ خواهد بود. ماده ۳۴ موافقت‌نامه، موارد قابل استرداد را بیان نموده است. مطابق این قرارداد، علاوه بر اینکه عمل مذکور باید در قوانین

۱۷. قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و سایر کشورها به عدد بیست هم نمی‌رسد ولی کشور ترکیه علاوه بر اینکه مطابق کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمین با ۴۵ کشور عضو این کنوانسیون قرارداد استرداد مجرمین دارد بلکه علاوه بر این قاره، با بیش از ۴۰ کشور از قاره‌های دیگر نیز قرارداد استرداد مجرمین دارد.

هر دو کشور جرم باشد، شدت مجازات در هر دو کشور می‌بایست بیش از یک سال حبس باشد و چنانچه تقاضای استرداد برای اجرای حکم باشد در این صورت حکم صادره نباید از شش ماه حبس کمتر باشد. همچنین در ماده ۳۵ این قرارداد جرایمی که از نظر دولت متقاضی‌عنه دارای ماهیت سیاسی یا نظامی باشد، قابل استرداد نمی‌باشد. در اینجا قاعده منع تعقیب مجدد و قابل تعقیب بودن جرم^{۱۸} و قاعده تخصیص نیز پیش‌بینی شده است. بند ۲ ماده ۴۲ در بیان استثنائات قاعده تخصیص اشعار می‌دارد: «الف - در صورتی که شخص مستردشده قلمرو طرف درخواست‌کننده را ظرف ۱۵ روز متوالی پس از تکمیل رسیدگی یا اجرای محکومیت، در صورت صدور ترک نموده باشد؛ ب - در صورتی که شخص مستردشده پس از ترک، مجدداً به قلمرو طرف درخواست‌کننده بازگشته باشد.» لازم به ذکر است بازداشت موقت متهم یا مجرم نیز پیش‌بینی شده است. وفق ماده ۴۷، رویه استرداد و بازداشت موقت منحصراً تابع قانون طرف متقاضی‌عنه خواهد بود. هر چند ماده ۳۹ این موافقت‌نامه به صورت مبهم بازداشت موقت را در موارد اضطراری تجویز نموده است و توضیح نداده که منظور از موارد اضطراری چه مواردی است. آیا تشخیص این اضطرار از طرف دولت متقاضی خواهد بود یا متقاضی‌عنه؟ علی‌ای‌حال حداکثر مدت بازداشت موقت یک ماه است و دولت متقاضی می‌تواند برای ارائه اسناد و مدارک، ۱۵ روز دیگر تمدید آن را درخواست نماید. بنابراین در هیچ صورتی مدت بازداشت موقت بیش از ۴۵ روز نخواهد بود.

۳-۲- مقررات شکلی استرداد

اولین اقدام در استرداد مجرمین تنظیم تقاضانامه استرداد است. برای این تقاضانامه ضمائم هم باید پیوست شود. این ضمائم در ماده ۳۶ قرارداد فی‌مابین پیش‌بینی شده است. زبان تقاضانامه و ضمائم می‌بایست به زبان کشور متقاضی‌عنه باشد.

۳-۲-۱- روش بررسی تقاضا در سیستم حقوقی ترکیه

همان‌طور که قبلاً اشاره گردید، سیستم بررسی تقاضا در ترکیه سیستم مختلط است. در سیستم ترکیه می‌توان مراحل بررسی تقاضا را به سه مرحله تقسیم نمود، ابتدا مرحله اداری است، در این مرحله تقاضانامه و ضمائم پیوست از طریق پلیس امنیت عمومی و یا از طریق دیپلماسی، به وزیر دادگستری ارسال می‌شود. وی نیز پس از تطبیق موضوع با قرارداد و یا

قوانین داخلی آن را به دادستان محل سکونت متهم می‌فرستد. دادستان آن محل، دعوایی را مبنی بر استرداد شخص مذکور در دادگاه جرایم سنگین به‌منظور صدور رأی مقتضی طرح می‌نماید.^{۱۹}

دادگاه مزبور خارج از نوبت تشکیل جلسه داده و ابتدا وضعیت شکلی موضوع را درخصوص طرح صحیح دعوی بررسی می‌کند سپس فعل یا ترک فعل موضوع استرداد را درخصوص جرم بودن یا نبودن عمل در قوانین ترکیه و اینکه رفتار مذکور آیا جرم نظامی یا سیاسی و یا جرایم عقیدتی را تشکیل می‌دهد یا خیر؟ همچنین آیا جرم مذکور علیه امنیت ترکیه و یا علیه دولت و اشخاص حقیقی و حقوقی ترکیه بوده؟ آیا دولت ترکیه صالح به رسیدگی به موضوع است؟ آیا جرم مزبور مشمول عفو و یا مرور زمان بوده؟ آیا شخصی که استرداد آن خواسته شده تبعه ترکیه است یا خیر؟ پس از بررسی اینکه قرارداد اجباری فی‌مابین ترکیه با کشور متقاضی وجود دارد یا خیر و باتوجه‌به قوانین داخلی و بین‌المللی چنانچه ممنوعیتی برای استرداد نباشد، قرار استرداد آن را صادر می‌نمایند. قرار مذکور، ظرف یک هفته قابل‌اعتراض در دیوان عالی کشور است.^{۲۰} چنانچه دادگاه قرار عدم‌استرداد صادر نمود، پرونده مختومه می‌شود ولی اگر قرار مبنی بر استرداد متهم صادر کرد، دادستان محل، رأی مذکور را با تمامی ضمائم آن به وزیر دادگستری ارسال نموده و وزیر دادگستری نیز پرونده را در هیئت دولت مطرح می‌نماید. مطابق بند ۵ ماده ۱۸ قانون مجازات ترکیه، تصمیم نهایی با هیئت دولت بوده و هیئت دولت نیز با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و اینکه آیا اصل برابری درمقابل قانون و اصل عدم‌شکنجه و رفتار نامناسب درمورد این شخص اجرا می‌شود یا خیر و لحاظ این موضوع که تفاوتی بین ایشان و اشخاص دیگر قائل نمی‌شوند، تصمیم‌گیری خواهند نمود. بنابراین چنانچه درخصوص عدم‌رعایت موارد فوق، اماره قوی وجود داشته باشد، از استرداد شخص مزبور ممانعت به‌عمل خواهد آمد. باتوجه‌به اینکه رفتار کشور تقاضاکننده یک عمل سیاسی دیپلماتیک است؛ لذا تشخیص اماره هم به‌عهده هیئت دولت گذاشته شده است نه محاکم.

19. Ülkü Güler, "5237 Sayılı Türk Ceza Kanununa Göre Suçluların Geri Verilmesi," *Adalet Dergisi* 28 (2007): 81.

20. Ahmet Ulutaş, *Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesi Işığında Suçluların Geri Verilmesi* (Ankara: Türkiye Barolar Birliği Yayınları, Ekim 2012), 21.

۳-۲-۲- روش بررسی تقاضانامه در سیستم حقوقی ایران

همان‌طور که قبلاً اشاره گردید، ایران از سیستم قضایی تبعیت می‌نماید؛ لذا برحسب اقتضای این سیستم تشخیص و تصمیم‌نهایی برای استرداد یا عدم‌استرداد با مقامات قضایی است. وزارت امور خارجه ایران پس از دریافت تقاضانامه آن را به وزیر دادگستری ارسال می‌نماید و ایشان نیز پس از تطبیق موضوع با شرایط استرداد، تقاضانامه مذکور و ضامنه آن را به دادستان عمومی و انقلاب شهرستان محل سکونت متهم ارسال می‌نماید تا دادستان محل در دادگاه کیفری (۲) دعوی مبنی بر استرداد مجرم طرح نماید. دادگاه محل به موضوع خارج از نوبت رسیدگی نموده و پس از استماع اظهارات شخص موردتقاضا و یا وکیل وی، رأی بر قبول یا رد تقاضا صادر خواهد نمود. رأی صادره قابل‌اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد.^{۲۱} مطابق ماده ۲۰ قانون استرداد مجرمین، دولت متقاضی می‌تواند قبل از ارسال مدارک، تقاضای بازداشت متهم را بنماید، دادستان با توجه به درخواست مذکور می‌تواند شخص موردتقاضا را بازداشت نماید. در این حالت اگر ظرف یک ماه برای کشورهای همسایه و ظرف دو ماه برای سایر کشورها مدارک استرداد واصل نشود، شخص موردتقاضا فوراً آزاد می‌گردد. پس از قطعیت رأی صادره، موضوع به اطلاع وزیر دادگستری و از طریق ایشان به اطلاع وزارت امور خارجه خواهد رسید. «چنانچه ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعلام وزارت امور خارجه از طرف مقامات دولت تقاضاکننده اقدامی در تحویل گرفتن شخص موردتقاضا به عمل نیاید، نامبرده فوراً آزاد شده و دیگر استرداد او به جهاتی که قبلاً تقاضا شده قبول نخواهد شد.»^{۲۲}

۴- دلایل مسترد نشدن مجرمین ایرانی از سوی ترکیه

باتوجه به رابطه همسایگی بین ایران و ترکیه و وجود تشابهات فراوانی در زبان، دین، فرهنگ و قرار گرفتن ترکیه در مسیر اروپا و مسائل دیگر موجب شده که بیشتر متهمین و مجرمین ایرانی برای رهایی از اجرای عدالت به این کشور فرار کنند. علی‌رغم وجود قرارداد استرداد مجرمین، متهم و یا مجرمی از سوی آن کشور مسترد نمی‌شود. در این قسمت به بررسی علل عدم‌استرداد مجرمین پرداخته می‌شود.

۲۱. علی‌آبادی، پیشین، ۱۷۲.

۲۲. نک: بند آخر ماده ۱۸ قانون راجع به استرداد مجرمین.

۴-۱- تأثیر حقوق بشر بر حقوق ترکیه

ماده ۲ قانون اساسی ترکیه مقرر می‌دارد: «حقوق بشر لازم‌الرعایه است» و ماده ۹ قانون مزبور اشعار می‌دارد: «وجود قانونی برخلاف قراردادهای بین‌المللی امکان‌پذیر نیست.» از آنجایی که ترکیه در سال ۱۹۵۴ با امضای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، آن را در داخل کشور لازم‌الاجرا اعلام نموده است. بنابراین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نه تنها منبعی در ردیف قانون اساسی است؛ بلکه در کنار قانون اساسی یکی از منابع اصلی حقوق جزا نیز به‌شمار می‌رود. ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشعار می‌دارد که تمامی انسان‌ها دارای حق حیات می‌باشند و ماده ۵ کنوانسیون مزبور مجازات‌های بدنی، شکنجه و همچنین مجازاتی که شرف و حیثیت شخص را خدشه‌دار کند، ممنوع اعلام نموده است. این کنوانسیون نه تنها حقوق داخلی ترکیه را تحت تأثیر قرار داده؛ بلکه در قراردادهایی که با کشورهای دیگر منعقد می‌نماید، مؤثر بوده است. بارها در اعتراض به پرونده‌های مطروحه، دادگاه اروپایی حقوق بشر مسئولیت ترکیه را گوشزد کرده است.

دادگاه اروپایی حقوق بشر، دولت‌ها را در رعایت حقوق بشر پیش‌بینی‌شده در قوانین بین‌المللی و رعایت حق حیات و اطمینان از عدم اعمال مجازات‌های خشن و غیرانسانی در استرداد مجرمین و قراردادهای استرداد مجرمین ملزم نموده است. رعایت استانداردهایی مانند امنیت و آزادی فردی، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پیش‌بینی شده، در تمامی مراحل استرداد مجرمین مشاهده می‌گردد. به عبارتی استرداد مجرمین در این کشور از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر کنترل می‌گردد. بنابراین ترکیه در استرداد مجرمین مکلف است هم حقوق داخلی خود و هم قرارداد استرداد مجرمین و هم کنوانسیون‌هایی که مشتمل بر حقوق بشر بوده و ترکیه نیز آنها را امضاء نموده، رعایت نماید.^{۲۳} این کنوانسیون‌ها عبارتند از کنوانسیون پیشگیری از جرم نسل‌کشی مصوب ۱۹۵۱ اتحادیه اروپا، کنوانسیون ژنو راجع به حقوق پناهندگان مصوب ۱۹۵۱، کنوانسیون منع شکنجه و رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی و تحقیرآمیز مصوب ۱۹۸۴ اتحادیه اروپا و در رأس آنها کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

ترکیه با پیروی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمین و شورای اروپایی همانند اعضای اتحادیه اروپا مجازات اعدام را از قوانین خود حذف نموده است.

23. Durmuş Tezcan, Mustafa Ruhan Erdem ve Oğuz Sancakdar, *Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesi ve Uygulaması* (Ankara: Adalet Bakanlığı Yayını, 2004), 64.

مجلس اعلاى ترکیه در تاریخ ۲۰۰۲/۰۸/۰۳ قانونی به شماره ۴۷۷۱ تحت عنوان «قانون تغییر مجازات‌ها در قوانین مختلف» را تصویب نمود که به موجب آن مجازات اعدام پیش‌بینی شده در تمامی قوانین^{۲۴} به مجازات حبس ابد مشدده تبدیل گردیده است. در ماده ۱۸ قانون مجازات ترکیه مصوب ۲۰۰۴ که مربوط به استرداد مجرمین است، هیچ ممنوعیتی در خصوص عدم استرداد مرتکبین جرایم مستوجب اعدام وجود ندارد. در موافقت‌نامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین ایران و ترکیه، هرچند استرداد مجرمین را فقط در جرایم مستوجب حبس پیش‌بینی کرده‌اند ولی نسبت به سایر جرایم چنین ممنوعیتی وجود ندارد. بند پ ماده ۳۵ این موافقت‌نامه هرچند موارد اعلام شده در کنوانسیون‌های اروپایی را از موانع استرداد اعلام نکرده ولی باتوجه به وضعیت ترکیه یک مانع عام برای استرداد به‌شمار می‌رود. این بند مقرر می‌دارد: «در صورتی که طرف درخواست‌شونده به دلیل قوانین داخلی خود درخواست را قابل‌پذیرش تلقی ننماید یا در صورتی که مجازات به لحاظ مرور زمان یا به دلیل دیگر مقرر در قوانین آن، دیگر قابل اجرا نباشد.» زیرا علی‌رغم اینکه ایران از امضاءکنندگان کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نمی‌باشد، در استرداد مرتکبین جرایم مستوجب مجازات‌های بدنی مانند اعدام، رجم، جلد و شلاق با ادعای اینکه در صورت استرداد مواجه با نقض حقوق بشر می‌گردد، در جهت رد تقاضای استرداد به این بند استناد می‌نمایند. علی‌ای حال تقاضای استرداد مجرم از ترکیه، در جرایمی که مجازات آنها اعدام یا قصاص باشد، باتوجه به عضویت این کشور در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دو پروتکل الحاقی به آن و خصوصاً پروتکل‌های ۶ و ۱۳ این کنوانسیون که استرداد برای مجازات اعدام را منع نموده و باتوجه به مسئولیت ترکیه در قبال این کنوانسیون، محکوم به رد می‌باشد.^{۲۵}

ترکیه ضمن امضای کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمین که در شورای اروپا به تصویب رسیده، آن را به موجب قانون شماره ۱۳۱۶ در تاریخ ۱۹۶۰/۰۴/۱۸ لازم‌الاجرا اعلام نموده

۲۴. قوانینی که در آنها مجازات اعدام پیش‌بینی شده بود عبارت بودند از: قانون مجازات ترکیه به شماره ۷۶۵، قانون منع و تعقیب قاچاقچیان به شماره ۱۹۱۸، قانون جنگل‌ها به شماره ۶۸۳۱.

۲۵. دادگاه اروپایی حقوق بشر در دعوی ژوئرینگ رأی بر عدم استرداد صادر نمود بدین توضیح که ژوئرینگ پس از ارتکاب قتل در آمریکا به کشور انگلستان فرار می‌کند باتوجه به اینکه در کشور آمریکا مجازات چنین عملی اعدام است، انگلستان تقاضای استرداد آن را می‌پذیرد با موافقت انگلستان، ایشان با استناد به حق حیات و وجود مجازات اعدام در آمریکا به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت می‌کند دادگاه مزبور به استناد ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و با استدلال اعمال مجازات‌های خشن و غیرانسانی و داشتن حق حیات مانع استرداد وی از انگلستان به آمریکا می‌شود.

است. ماده ۱۱ کنوانسیون مذکور مقرر می‌دارد چنانچه در قوانین کشور تقاضاکننده برای جرم موضوع استرداد، مجازات اعدام پیش‌بینی شده باشد و درمقابل، در قوانین کشور متقاضی‌عنه مجازات چنین عملی اعدام نباشد، استرداد ممکن نخواهد بود مگر اینکه کشور تقاضاکننده تضمینی دایر بر عدم اجرای مجازات اعدام بدهد.^{۲۶} با الهام از این ماده، استرداد مرتکبین جرایم مستوجب اعدام، بدون دادن تضمین کافی دیپلماتیک مبنی بر عدم انجام مجازات اعدام، ممکن نخواهد بود؛ زیرا ندادن تضمین دیپلماتیک را نقض آشکار کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تلقی می‌کنند که صدور رأی مبنی بر نقض تقاضای استرداد از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر را در پی خواهد داشت.

بنابراین مجازات‌های بدنی از نظر حقوق بشر غیرانسانی شناخته شده و مباحث حقوق بشر مانع استرداد مجرمین درخصوص مرتکبین جرایم مستوجب مجازات‌های اعدام، قصاص و شلاق می‌باشد.^{۲۷} ماده ۳ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۷۰ صدور رأی غیابی را مانع پذیرش استرداد مجرمین می‌داند و معتقد است که در صدور رأی غیابی دادرسی عادلانه نبوده و حقوق دفاعی متهم رعایت نمی‌شود.

۴-۲- مقید بودن قرارداد استرداد مجرمین صرفاً به جرایم مستوجب حبس

وجود قرارداد، کشورها را به استرداد مجرمین مجبور می‌سازد ولی این اجبار نسبت به تمامی جرایم نیست؛ بلکه فقط جرایم پیش‌بینی شده در قرارداد را شامل می‌شود بنابراین استرداد مجرمین درخصوص جرایم خارج از قرارداد، اختیاری می‌باشد. ماده ۲ قانون راجع به استرداد مجرمین اشعار می‌دارد: «استرداد در موارد ذیل قبول می‌شود: الف) وقتی که امر راجع به متهمی باشد مشروط بر آنکه مطابق قوانین هر دو کشور جرم مستلزم مجازاتی گردد که حداکثر آن کمتر از یک سال حبس نباشد؛ ب - وقتی که امر راجع به کسی باشد که قطعاً محکوم شده است مشروط بر آنکه محکومیت او برای جرمی باشد که مطابق قوانین هر دو کشور مستلزم مجازاتی است که حداکثر آن کمتر از یک سال حبس نبوده و حکم صادره نیز لااقل برای شش ماه حبس بوده باشد.» در نتیجه قرارداد فی‌مابین ایران و ترکیه فقط جرایم مستوجب حبس را شامل می‌شود و سایر مجازات‌ها من جمله جرایم مستوجب اعدام، قصاص،

26. Sabahattin Nal, "Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesinin Taraf Ülke Hukuklarındaki Yeri ve Taraf Ülke Hukuklarına Etkisi" *Yargıtay Dergisi* 28 (2002): 228.

۲۷. محمدعلی اردبیلی، *استرداد مجرمین و معاضدت قضایی با تأکید بر جرایم مخدر* (تهران: انتشارات

دیات، جزای نقدی و شلاق، خارج از قرارداد باقی می‌مانند در بعضی از جرایم، در کنار مجازات حبس، مجازات‌های دیگری هم پیش‌بینی شده است این جرایم را نیز باید به جرایم خارج از قرارداد افزود. تأثیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر حقوق ترکیه باعث می‌شود که جرایم خارج از قرارداد با وجود معامله متقابل هم از سوی ترکیه مسترد نشود و همچنین از جرایم مستوجب حبس نیز باید جرایم نظامی و سیاسی را نیز استثناء نمود.^{۲۸}

۴-۳- تأثیر حقوق داخلی ترکیه بر استرداد مجرمین

در مبحث پیشین اشاره گردید که به‌علت وجود قراردادهای بین‌المللی، تعدادی از جرایم از شمول دایره استرداد مجرمین از سوی ترکیه خارج شدند علاوه بر این، قوانین داخلی ترکیه علی‌الخصوص قانون آیین دادرسی کیفری نیز محدودیت‌هایی را هم به این موضوع می‌افزاید که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

۴-۳-۱- قانون مجازات ترکیه

بند ۳ ماده ۱۸ قانون مجازات ترکیه بیان می‌دارد: «در صورت استرداد شخص به دولت تقاضاکننده، چنانچه به‌خاطر دین، نژاد، تابعیت، انتساب به گروه خاصی یا برای اعمال مجازات و یا برای مواجه شدن با شکنجه و رفتارهای خشن و غیرانسانی احتمال و ظن قوی وجود داشته باشد از استرداد ممانعت به‌عمل می‌آید.»

به‌موجب بند ۱ ماده ۱۸ قانون مجازات ترکیه، بررسی تقاضای استرداد در صورتی ممکن است که تحقیقات مقدماتی انجام شده و رسیدگی در دادگاه شروع شده باشد برای درک بهتر مرحله تعقیب در ترکیه ناگزیریم نگاهی اجمالی به سیستم رسیدگی در این کشور بیندازیم. هرچند این کشور از سیستم حقوقی رومی - ژرمنی پیروی می‌کند ولی روش رسیدگی به جرایم با روش به‌کاررفته در ایران متفاوت است. در این کشور قضات دادسرا همانند نمایندگان حقوقی ادارات در ایران، دارای مقام اداری هستند. آنها به نمایندگی از جامعه و زیر نظر مدعی‌العموم وظیفه تحقیق و نتیجتاً طرح شکایت در دادگاه را دارند. قبل از طرح شکایت که به‌صورت کیفرخواست به دادگاه تقدیم می‌شود، زیر نظر دادگاه صلح تحقیقات را انجام داده و چنانچه نیاز به اخذ تأمین از متهم و یا بازداشت وی و یا تحقیقاتی من جمله ضبط مکالمات و

۲۸. کیومرث کلانتری و سمانه ذوالفقاری، «موانع استرداد مجرمین در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل» (مقاله ارائه‌شده در همایش ملی رویکردهای کاربردی و پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت، تهران، ۲ و ۳ بهمن ۱۳۹۳)، ۸.

... باشد، با پیشنهاد دادسرا و پس از موافقت دادگاه صلح تصمیم مذکور اتخاذ می‌گردد. پس از اتمام تحقیقات چنانچه دادسرا عقیده بر مجرمیت داشته باشد با صدور کیفرخواستی تحت عنوان ادعانامه، تعقیب متهم را باتوجه به میزان مجازات جرم انتسابی، از «دادگاه اصلی» یا «دادگاه جرایم سنگین» مطالبه می‌نماید. دادگاه چنانچه موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد، مثلاً موضوع مشمول عفو یا مرور زمان و ... نباشد و همچنین تحقیقات دیگری لازم نباشد، قرار قبولی کیفرخواست را ظرف ده روز پس از وصول پرونده صادر می‌نماید. شایان ذکر است که دادگاه صلح به دلیل اینکه در تحقیقات مقدماتی دخالت داشته، نمی‌تواند در دادرسی مداخله نماید.^{۲۹} علی‌ای حال چنانچه نسبت به متهم کیفرخواست صادر نشده باشد، مطابق قوانین این کشور چون تعقیب شروع نشده، لذا استرداد ممکن نخواهد بود. در عهدنامه استرداد مقصرین بین ایران و ترکیه مصوب ۱۳۱۵ از واژه «تعقیب» استفاده شده بود در سیستم جزایی ایران قدر متیقن اینکه تشخیص مرحله تعقیب از تحقیق همانند کشور ترکیه به این وضوح نمی‌باشد. هرچند که در ایران هم مانند سایر کشورهای جهان، دادستان به عنوان مدعی‌العموم، نماینده جامعه بوده و از طرف جامعه اقدام می‌کند، قضات دادسرا دارای مقام قضایی بوده ولی این مقامات در عمل و در بیشتر مواقع به معنای واقعی کلمه به نمایندگی از جامعه شکایتی را مطرح نمی‌نمایند؛ بلکه مانند قضات نشسته شکایتی که در نزد آنها مطرح شده تحقیقات را انجام و حتی برای متهم قرار بازداشت و یا سایر قرارهای تأمین صادر می‌نمایند. ایرادی که می‌توان به این روش وارد کرد، این است که اگر مقامات دادسرا نماینده جامعه هستند، پس با اقدامی که انجام می‌دهند به نمایندگی از جامعه و به عنوان شاکی عمل می‌نمایند. بنابراین چطور شاکی می‌تواند برای متهم خود قرار تأمین و یا قرار بازداشت صادر نماید؟ علی‌ای حال باتوجه به وجود تفاوت اساسی در سیستم این دو کشور، در عمل تقاضای استرداد مجرمینی که پرونده آنها در مرحله تحقیقات مقدماتی است با رد تقاضا مواجه می‌شود. ولی در موافقت‌نامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین ایران و ترکیه مصوب ۱۳۸۹/۰۹/۳۰ با هوشیاری مسئولین کشورمان این نقص مرتفع شده و بند ۱ ماده ۳۴ این موافقت‌نامه به صراحت به هر سه مرحله اشاره نموده است (تعقیب، محاکمه و اجرای حکم) که به نظر می‌رسد یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای موافقت‌نامه اخیر، تصریح به استرداد مجرمین در مراحل دادسرا، دادگاه و اجرای احکام می‌باشد.

29. Eralp Özgen, *Suçluların Geri Verilmesi* (Ankara: Ajans-Türk Matbaası, 1962), 21.

۴-۳-۲- قانون آیین دادرسی کیفری ترکیه

ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص حق دفاع متهم چنین توصیه می‌کند: «متهم یا خودش از خودش دفاع می‌کند و یا برای دفاع شخصاً وکیل انتخاب می‌کند و چنانچه توان مالی انتخاب وکیل را نداشته باشد، سالم بودن عدالت اقتضاء می‌کند که دادگاه، وکیل رایگان برای ایشان انتخاب کند.»

قانون آیین دادرسی کیفری ترکیه رسیدگی غیابی را تجویز نکرده است. در این خصوص ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۰۴ اعلام می‌دارد: «بدون حضور متهم جلسه رسیدگی تشکیل نمی‌شود.» بدیهی است بدون تشکیل جلسه رسیدگی، رأیی هم صادر نمی‌شود. شرط اساسی دفاع متهم، حضور ایشان در جلسه رسیدگی است و محاکمه‌ای که در غیاب متهم صورت می‌گیرد، ایشان را از ابتدایی‌ترین حقوق خود، محروم می‌سازد؛ لذا چنین دادرسی عادلانه و صحیح نمی‌باشد. بنابراین مطابق قوانین داخلی نیز صدور رأی غیابی مانع استرداد مجرم است در حالی که در حقوق کشورمان نه تنها صدور رأی غیابی تجویز شده بلکه حتی با ابلاغ واقعی رأی به محکوم علیه و به محض انقضای مدت اعتراض چنین رأی غیابی، قطعی نیز می‌شود.

۴-۴- تأثیر حقوق داخلی ایران بر استرداد

قوانین داخلی هر کشور هرچند مختص آن کشور است ولی همین قوانین داخلی احکامی دارد که مرتبط با کشورهای خارجی است. هر کشوری که انتظار تعاون و همکاری با دیگر دول را دارد، بایستی احکام و قوانین دیگر کشورها را محترم بشمارد. در قانون مجازات اسلامی احکامی وجود دارد که برخلاف قوانین سایر کشورها و رویه و عرف بین‌المللی است. در این خصوص می‌توان به ماده ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ اشاره کرد. مطابق مقررات این ماده، هر ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرم شود و در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی مجازات خواهد شد. این ماده، نه تنها محل وقوع جرم (کشور خارجی) را صالح به رسیدگی نمی‌داند؛ بلکه عملی که مطابق قوانین آن کشور جرم نبوده ولی مطابق قوانین ایران جرم بوده، قابل مجازات دانسته است. همچنین احکام صادره از کشور خارجی را فاقد اعتبار دانسته است. چه بسا متهم مذکور در کشور خارجی به علت ارتکاب جرم مذکور مجازات شده، حال پس از برگشت به ایران مجدداً برای آن عمل مجازات می‌شود که این برخلاف اصل عدالت می‌باشد. بدیهی است چنین احکامی در استرداد مجرمین تأثیر

زیادی دارد. ایراد این ماده تا حدود زیادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مرتفع گردیده است. دقیقاً شبیه چنین ماده‌ای در قانون مجازات ترکیه اما با تفاوت اساسی و احترام به احکام دیگر کشورها و حقوق و آزادی‌های فردی پیش‌بینی شده است. ماده ۱۱ قانون مجازات ترکیه اشعار می‌دارد هر تبعه ترک که در خارج از ترکیه مرتکب جرم شود با تحقق شرایط ذیل مطابق قوانین ترکیه مجازات خواهد شد. ۱- حداقل مجازات مقرر بیش از یک سال حبس باشد؛ ۲- در کشور خارجی حکمی اعم از محکومیت یا برائت صادر نشده باشد؛ ۳- علاوه بر جرم بودن عمل در کشور محل وقوع جرم مطابق قوانین ترکیه نیز جرم قابلیت تعقیب داشته باشد. شایان ذکر است حکم ماده ۳ قانون مجازات عمومی (ماده ۷ قانون مجازات اسلامی) مصوب ۱۳۵۲ در این خصوص موافق اصول و مقررات و احترام به حقوق و آزادی‌های فردی و احکام سایر کشورها بوده است.^{۳۰}

نتیجه

امروزه گسترش وسایل ارتباطی سبب شده تا مجرمین به آسانی بتوانند از مرزها خارج و خود را از تعقیب و مجازات در امان نگه دارند. روش برگزیده مجرمین ضرورت استرداد مجرمین را توجیه می‌کند. استرداد مجرمین یکی از فعال‌ترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل جزایی است. برای موفقیت کشورمان در استرداد مجرمین فراری، به نظر می‌رسد می‌توانیم علاوه بر اصلاح بعضی از قوانین، تنظیم قراردادهای استرداد مجرمین با سایر کشورها را توسعه دهیم، چراکه در کشوری با این همه وسعت و با این همه جمعیت و داشتن راه‌های ارتباطی به سایر کشورها و همچنین به دریای آزاد، تعداد قراردادهای استرداد مجرمین به عدد بیست نمی‌رسد؛ لذا وجود قراردادهای بیشتری در این مورد ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش با نگاهی گذرا به چالش‌های قانونی و موانع پیش روی استرداد مجرمین موضوعی هم که باید مدنظر قرار داد اینکه در قانون استرداد مجرمین نقش بسیار فرعی برای اینترپل پیش‌بینی شده است و باتوجه به اینکه بخش اعظمی از مأموریت استرداد از جمله شناسایی، دستگیری و اسکورت و

۳۰. ماده ۳ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۲ بیان می‌داشت: «الف ... ب ... ج ... د ... ه ... در غیر موارد مذکور در بندهای ج و د هر ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی ایران مجازات خواهد شد مشروط به اینکه: ۱- حداکثر مجازات جرم به موجب قانون ایران بیش از یک سال حبس باشد؛ ۲- عمل به موجب قانون محل وقوع جرم باشد؛ ۳- در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده باشد یا در صورت محکومیت مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد؛ ۴- به موجب قانون ایران و قانون محل وقوع جرم، موجبی برای منع یا موقوفی شدن تعقیب یا عدم اجرای مجازات یا اسقاط آن نباشد. و ...»

بدرقه متهمین به کشور به‌عهده اینترپل می‌باشد، لذا لازم است علاوه‌بر آشنایی قضات و مأمورین انتظامی با اینترپل، نقش و جایگاه آن در قوانین مربوطه بالأخص قانون استرداد مجرمین موردتوجه قرار گیرد و همچنین با برگزاری کارگاه‌های آموزشی آشنایی با سیر مراحل استرداد جهت مراجع قضایی، رویه واحدی در رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با استرداد مجرمین ایجاد گردد. درخصوص کشور ترکیه هم علاوه‌بر نقایص موجود، راه‌حلی که بتوان از حداقل امکانات حداکثر استفاده را برد، این است که زمان تقاضای استرداد را برنامه‌ریزی نماییم و به‌هیچ‌وجه برای اشخاصی که نسبت به رأی غیابی صادر شده، تقاضای استرداد نماییم، به عبارتی چنانچه متهمی به خارج از کشور فرار کرده، درمورد آن به‌هیچ‌وجه رأی غیابی صادر نشود. دادگاه‌های کیفری ما در اجرای قانون دادرسی کیفری با تشکیل جلسه‌ای ظاهراً قانونی، بدون حضور متهم و همچنین بدون هیچ تلاشی برای حاضر نمودن متهم، رأی صادر می‌کنند که این رأی غیابی باعث عدم استرداد متهم می‌گردد. نظر به اینکه اکثر کشورهای جهان، صدور رأی غیابی را با محدودیت‌هایی قبول دارند چنانچه از متواری شدن متهم اطلاع داریم، حتی‌الامکان تا زمان مسترد شدن متهم، از صدور رأی غیابی خودداری کنیم و با این روش ساده، بیشتر مجرمین به کشورمان مسترد خواهند شد. بنابراین بهترین حالت جهت تقاضای استرداد زمانی است که اولاً، جرم از جمله جرایم مستوجب حبس باشد؛ ثانیاً، پرونده در دادگاه درحال رسیدگی باشد. چنین موضوعی را می‌توان طی بخشنامه‌ای از طریق ریاست محترم قوه قضائیه به قضات دادگستری اجرا نمود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود. *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، زمستان ۱۳۷۲.
- اردبیلی، محمدعلی. *استرداد مجرمین و معاضدت قضایی با تأکید بر جرایم مواد مخدر*. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۲.
- علی‌آبادی، عبدالحسین. *حقوق جنایی*. جلد سوم. تهران: انتشارات بانک ملی، ۱۳۵۴.
- کلانتری، کیومرث و سمانه ذوالفقاری. «موانع استرداد مجرمین در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل». مقاله ارائه‌شده در همایش ملی رویکردهای کاربردی و پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت، تهران، ۲-۳ بهمن ۱۳۹۳.

ب) منابع خارجی

- Altun, Hasan Mutlu. "Suçluların Geri Verilmesi Hukuku." Y.L. Tezi, İstanbul, Marmara Üniversitesi, 2001.
- Cin, Mustafa. "Suçluların Geri Verilmesi ve Türk Hukuku." Y.L. Tezi, İstanbul Üniversitesi, 1991.
- Donay, Süheyl. "Suçluların İadesinde Yeni Gelişmeler." *İÜHFİM* 50 (1984): 1-4.
- Ergül, Ergin. *Teori ve Uygulamada Suçluların İadesi ve Hükümlülerin Nakli*. 3 Ed. Ankara: Yetkin Yayınevi, 2003.
- Güler, Ülkü. "5237 Sayılı Türk Ceza Kanununa Göre Suçluların Geri Verilmesi." *Adalet Dergisi* 28 (2007): 55-110.
- İçel, Keyhan. "Suçluların Geri Verilmesi Üzerine Bir inceleme." *İÜHFİM* 30 (1965): 3-4.
- Nal, Sabahattin. "Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesinin Taraf Ülke Hukuklarındaki Yeri ve Taraf Ülke Hukuklarına Etkisi." *Yargıtay Dergisi* 28 (2002): 214-232.
- Önder, Ayhan. *Ceza Hukuku Genel Hükümler*. 1Ed. İstanbul: Beta, 1991.
- Özgen, Eralp. *Suçluların Geri Verilmesi*. 2Ed. Ankara: Ajans-Türk Matbaası, 1962.
- Özgenç, İzzet. *Türk Ceza Hukuku Genel Hükümler*. 2Ed. Ankara: Seçkin, 2008.
- Tezcan, Durmuş, Mustafa Ruhan Erdem and Oğuz Sancakdar. *Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesi ve Uygulaması*. Ankara: Adalet Bakanlığı Yayını, 2004.
- Ulutaş, Ahmet. *Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesi Işığında Suçluların Geri Verilmesi*. 3Ed. Ankara: Türkiye Barolar Birliği Yayınları, Ekim 2012.
- Ünver, Yener. "Uluslararası Normlar Bağlamında Suçluların Geri Verilmesi ve Türkiye." *Anayasa Yargısı Dergisi* 17 (2000): 410-436.
- Yenise, Feridun. "Yurtdışında İşlenen Suçlar." *MHB* 1 (1986): 21-23.